



دیدگاه

شماره: ۸۱۹

تاریخ: ۹۶/۱۱/۱۶

موضوع: ریشه های سیاسی نوسانات شدید در اقتصاد ایران

توضیح اجمالی:

اقتصاد ایران هر چند سال یکبار با نوسانات شدیدی در قیمت ارز، قیمت انرژی، سطح عمومی قیمت ها، سرمایه گذاری ثابت و بالاخره رشد تولید ناخالص داخلی رو به رو می شود. البته بخشی از این نوسانات ناشی از شوک های خارجی نظیر تحریم اقتصادی و قیمت جهانی نفت است، لکن ریشه بخش عمده این نوسانات را می توان در غلبه رویکردهای سیاسی بر واقعیت های اقتصادی کشور جستجو کرد. در این ارتباط توجه به دو واقعیت ضروری است: واقعیت اول وجود تورم مستمر در اقتصاد ایران طی چند دهه اخیر و واقعیت دوم وابستگی شدید بودجه دولت به درآمدهای ارزی و ریالی حاصل از فروش نفت و فرآورده های نفتی است. نتیجه واقعیت اول آن است که برای حفظ قدرت خرید بودجه جاری و عمرانی دولت (و نه افزایش آن)، اعتبارات بودجه باید هرساله متناسب با نرخ تورم افزایش یابد اما درآمدهای دولت نمی تواند پا به پای هزینه ها افزایش یابد، چراکه رویکردهای سیاسی عمدتاً در جهت ثابت نگاهداشتن نرخ ارز، قیمت حامل های انرژی و راضی نگاه داشتن مردم است. نظر به لزوم افزایش هزینه های جاری (عمدتاً حقوق و دستمزد) به ناچار هزینه های عمرانی می باید کاهش یابد. کاهش هزینه های عمرانی دولت از یکسو و کاهش نرخ واقعی ارز که منجر به تقویت واردات و تضعیف صادرات می شود از سوی دیگر، باعث کاهش سرمایه گذاری بخش خصوصی نیز می شود. بدین ترتیب، رشد سرمایه گذاری کل کاهش پیدا می کند و به تبع آن رشد تولید ناخالص داخلی لطمه می بیند.

روند مذکور در بلندمدت قابل تداوم نیست و از این رو فشارهای جمع شده طی این سال ها، معمولاً به دنبال یک تکانه خارجی، یکباره رها می شوند و رشد سریع قیمت ارز، قیمت انرژی و سطح عمومی قیمت ها حادث می شود. پیامدهای این جهش قیمت در بازار ارز، انرژی و ... دهک هایی را بیشتر متاثر خواهد کرد که جامعه هدف اصلی برای تثبیت قیمت ها بودند.

نکات کلیدی:

- در اقتصاد متکی به نفت، تورم باعث کاهش درآمد واقعی دولت و هزینه های عمرانی بودجه می شود مگر آنکه قیمت نفت و یا نرخ ارز افزایش یابد، از این رو، ضروریست تورم کنترل شود.
- کنترل تورم از طریق تثبیت مصنوعی قیمت ارز و قیمت داخلی فرآورده های نفتی، در بلندمدت امکان پذیر نیست و در کوتاه مدت و میان مدت به تخصیص غیر بهینه منابع و کاهش نرخ رشد اقتصادی منتهی خواهد شد. راهکارهای اصلی کنترل تورم در افزایش بهره وری، کنترل رشد نقدینگی و انضباط مالی دولت (خودداری از شروع طرح هایی نظیر مسکن مهر و پرداخت غیرهدفمند یارانه) است.
- آنچه در اقتصاد تعیین کننده است قیمت های واقعی است و نه قیمت های اسمی.
- اگر قیمت ارز و انرژی به تدریج تعدیل می شدند رشدهای منفی در سرمایه گذاری های دولتی و خصوصی و رشد تولید ناخالص داخلی و تضعیف اشتغال رخ نمی داد، همچنین مدیریت واردات و توسعه صادرات نیز تسهیل می شد.
- سیاست زده شدن سیاست های اقتصادی و غفلت از هزینه های تثبیت مصنوعی قیمت ارز، انرژی و ... در بلندمدت به زیان دولت، مردم و اقتصاد کشور خواهد بود.